

تصمیم‌گیری همکارانه در بازی معمای زندانی و نقش مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان

مهسا مسلمان^۱

احمد سهرابی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی نقش مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین در بین دانشجویان دانشگاه کردستان در سال ۹۵-۱۳۹۴ انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی بود که جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بودند. برای به دست آوردن نمونه اولیه برای تعدادی (شامل ۲۳۰ نفر) از دانشجویان دانشگاه کردستان با شیوه نمونه‌گیری در دسترس و فراخوان در رابطه با شرکت در پژوهش و اهداف و نحوه انجام پژوهش توضیحات لازم داده شد، که از بین آنها ۷۰ نفر از دانشجویان که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند مورد ارزیابی قرار گرفتند. با توجه به هدف پژوهش پس از تحلیل نتایج اولیه، نتایج مربوط به ۵۷ نفر (۲۹ نفر با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و ۲۸ نفر با تصمیم‌گیری همکارانه پایین) از دانشجویان انتخاب و به روش علی‌مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. از یک تکلیف کامپیوتری معمای زندانی و یک پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا از لحاظ تمرکز مجدد مثبت و تمرکز بر برنامه‌ریزی بالاتر از افراد با تصمیم‌گیری همکارانه پایین بودند و افراد با تصمیم‌گیری همکارانه پایین از لحاظ پذیرش و تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل) بالاتر از افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا بودند. یافته‌های پژوهش از وجود تفاوت بین دو گروه حمایت می‌کند. در واقع افراد با شناخت، ادراک، تنظیم و کنترل هیجان‌ها، پردازش‌های شناختی خود را که شامل قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اوست، مدیریت و بهبود می‌بخشد.

واژگان کلیدی: تصمیم‌گیری همکارانه، معمای زندانی، تنظیم شناختی هیجان.

۱ - کارشناسی ارشد، روانشناسی شناختی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول) mahsa.mosalman@yahoo.com

۲ - استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

۱. مقدمه

منطقی به نظر می‌رسد که هر کجا انسانی باشد علم روان‌شناسی نیز حضور یابد. اما اغلب مباحثی چون اصول برقراری ارتباط در کار، ایجاد انگیزه، مقاومت در برابر تغییر، شناخت دیگران، تعیین اهداف، کاهش استرس و مدیریت هیجان‌ها از جمله موضوعاتی هستند که روان‌شناسان نسبت به آنها توجه بیشتری نشان داده‌اند (طبری و قربانی، ۱۳۸۸). هیجان را می‌توان واکنش‌های زیست‌شناختی به موقعیت‌هایی دانست که آن را یک فرصت مهم یا چالش برانگیز ارزیابی می‌کنیم و این واکنش‌های زیستی با پاسخی که به آن رویدادهای محیطی می‌دهیم، همراه می‌شوند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴). هر چند هیجان‌ها مبنای زیستی دارند، اما افراد قادرند بر شیوه‌هایی که این هیجان‌ها را ابراز می‌کنند، اثر بگذارند. این توانایی که تنظیم هیجان نامیده می‌شود، فرایندی درونی و برونی است که مسئولیت کنترل، ارزیابی و تغییر واکنش‌های عاطفی فرد را در مسیر تحقق یافتن هدف‌ها بر عهده دارد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین تنظیم هیجان، یک اصل اساسی در شروع، ارزیابی و سازمان‌دهی رفتار سازگارانه و همچنین جلوگیری از هیجان‌های منفی و رفتارهای ناسازگارانه محسوب می‌شود (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴).

تنظیم هیجانی، شامل استفاده از استراتژی‌های رفتاری و شناختی برای تغییر در مدت زمان یا شدت تجربه‌ی یک هیجان است (اندامی خشک و همکاران، ۱۳۹۲) و مشخص شده است که افراد در مواجهه با رویدادهای استرس‌زا، از راهبردهای تنظیم هیجان متفاوتی برای اصلاح یا تعدیل تجربه‌ی هیجانی خود استفاده می‌کنند (اندامی خشک و همکاران، ۱۳۹۲). یکی از متداول‌ترین این راهبردها، تنظیم هیجان با استفاده از راهبردهای شناختی است. شناخت‌ها یا فرآیندهای شناختی به افراد کمک می‌کند که هیجان‌ها و احساس‌های خود را تنظیم نموده و توسط شدت هیجان‌ها مغلوب نشود (اندامی خشک و همکاران، ۱۳۹۲). تنظیم شناختی هیجان، به شیوه‌ی شناختی مدیریت و دستکاری ورود اطلاعات فراخواننده‌ی هیجان، اشاره دارد (اندامی خشک و همکاران، ۱۳۹۲).

راهبردهایی که افراد برای تنظیم هیجان‌ها شان استفاده می‌کنند، در پژوهش‌های نظری و کاربردی بسیاری مورد بررسی قرار گرفته و تحت عنوان راهبردهای سازگارانه و ناسازگارانه مورد بحث واقع شده است (اندامی خشک و همکاران، ۱۳۹۲). در همین راستا گارنفسکی^۱ و همکاران (به نقل از اندامی خشک و همکاران، ۱۳۹۲)، نه راهبرد متفاوت تنظیم شناختی هیجان را تحت عنوان سرزنش خود (تفکر با محتوای مقصر دانستن و سرزنش خود)، پذیرش (تفکر با محتوای پذیرش و تسلیم رخداد)، نشخوار ذهنی (اشتغال ذهنی درباره‌ی احساسات و تفکرات مرتبط با واقعه‌ی منفی)، تمرکز مجدد مثبت (فکر کردن به موضوع لذت‌بخش و شاد به جای تفکر درباره‌ی حادثه‌ی واقعی)، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی (فکر کردن درباره‌ی مراحل فایق آمدن بر واقعه‌ی منفی یا تغییر آن)، ارزیابی مجدد مثبت (تفکر درباره‌ی جنبه‌های مثبت واقعه یا ارتقای شخصی)، اتخاذ دیدگاه (تفکر با محتوای وحشت از حادثه) و سرزنش دیگران (تفکر با محتوای مقصر دانستن و سرزنش وقایع)، فاجعه‌آمیز پنداری (تفکر با محتوای وحشت از حادثه) و سرزنش دیگران (تفکر با محتوای مقصر دانستن و سرزنش دیگران به خاطر آنچه اتفاق افتاده است) معرفی کرده‌اند. از میان این نه راهبرد، سرزنش خود، سرزنش دیگران، نشخوار ذهنی و فاجعه‌آمیز پنداری، راهبردهای ناسازگارانه‌ی تنظیم شناختی هیجان و پذیرش، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت و اتخاذ دیدگاه، راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان را تشکیل می‌دهند.

با رشد انقلاب شناختی در دهه‌های ۱۹۸۰، محققان بسیاری به عواطف به عنوان یک فرآیند مکمل نگاه کردند (ضیایی و همکاران، ۱۳۸۸). گرایش‌های جدیدتر بر نقش فرایندهای هیجانی و شهودی در تصمیم‌گیری انسان و اجتماعی شدن افراد

تأکید داشت. یکی از انواع تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری همکارانه (معمای زندانی) است که به کمک آن بسیاری از مسائل رقابتی تحلیل می‌شود و تصمیم‌گیری را تسهیل می‌کند. بازی معمای زندانی با هدف توصیف موقعیتی با رفتار معقول (رفتاری که سود قابل انتظار شخص را حداکثر کند) مطرح شد (منتظر و همکاران، ۱۳۹۱). این بازی دو نفره با دو راهبرد، همکاری و عدم همکاری می‌باشد و فرد تصمیم می‌گیرد همکاری کند و یا همکاری نکند (دوبلی و هارت، ۲۰۰۵). فعالیت‌های همکارانه شامل گونه‌ای از بازی معمای زندانی^۲ است و در چنین شرایطی در صورتی که دیگران پایبند به قرارداد باشند از بهترین نتایج شخصی برخوردار خواهند شد و اگر از آن تخطی نمایند، این کار منجر به نتیجه اجتماعی غیر بهینه خواهد شد و در چنین شرایطی هر کسی در ظن خیانت از سوی دیگری خواهد بود. اما اگر هر کس، مشروط به پایبندی دیگران به محدودیت‌های اخلاق، بدان‌ها پایبند باشد، همگی می‌توانند از ثمره پایبندی و اعتماد یکدیگر بهره‌مند شوند و تعامل موفقیت‌آمیزی داشته باشند (پیخرف^۳، ۲۰۱۰). همکاری به عنوان «با همدیگر عمل کردن، به شیوه‌ای هماهنگ در کار، فراغت یا در روابط اجتماعی، در جستجوی هدف‌های مشترک، بهره‌برداری از فعالیت مشترک یا صرفاً توسعه روابط» تعریف شده است. سه شیوه اصلی در همکاری کردن، همکاری در جهت کسب پاداش‌های مادی، روابط اشتراکی و همکاری با یکدیگر است. نظریه همکاری شامل دو دسته نظریه اصلی است؛ نظریه بازی و نظریه هدف‌های گروهی مشترک. نظریه اخیر بیان می‌کند که مردم در جهت آن دسته از هدف‌های گروهی مشترک همکاری می‌کنند که در ارتباط با هدف‌های فردی است، و آنها این کار را در نتیجه تصمیم‌های شناختی عقلانی انجام می‌دهند (جوادی یگانه، ۱۳۸۳).

برای اولین بار تحقیقات عصب‌شناختی لودو^۴ (۱۹۹۳)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، ارتباط بین نواحی هیجان و تفکر را در مغز انسان نشان داد. لودو کشف کرد که ساختمان مغز به بادامه موقعیتی ممتاز می‌دهد که می‌تواند، مغز متفکر را تحت کنترل خود درآورد، به طوری که علایم حسی ابتدا در بادامه، پردازش و سپس به قشر تازه مخ ارسال می‌شوند. این مدار به تشریح نیروی هیجان اشاره دارد. وی نشان داد که حتی زمانی که مغز متفکر یعنی قشر تازه مخ به مرحله تصمیم‌گیری رسیده است، بادامه مغز می‌تواند اعمال فرد را کنترل کند. لودو واکنشی که بر پایه اطلاعات ورودی حسی عصبی اولیه که هنوز کاملاً به صورت یک پدیده قابل شناخت یکپارچه نشده است را هیجان پیش‌شناختی می‌نامد و معتقد است، بادامه مغز می‌تواند در بحران خشم و غضب و یا ترس، قبل از اینکه قشر تازه مخ بفهمد که چه خبر است واکنش نشان دهد. تحقیقات عصب‌شناختی داماسیو^۵ (۲۰۰۵)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، بر روی بیماران دچار ضایعه مدار پیش‌پیشانی-بادامه مغز، نیز نشان داد که این بیماران با وجود اینکه در توانایی‌های هوشی یا شناختی مشکل ندارند، اما نحوه تصمیم‌گیری آنان بسیار اشتباه است.

به اعتقاد داماسیو دلیل تصمیمات نادرست آنها این است که مدار قطعه پیش‌پیشانی-بادامه، به عنوان نقطه تلاقی فکر و هیجان است و اگر این مدار آسیب ببیند، دسترسی به آموخته‌های هیجانی وجود ندارد، این یعنی مغز هیجانی به همان اندازه مغز متفکر در استدلال کردن نقش دارد. وی معتقد است که منطق خشک هیچ‌گاه نمی‌تواند به تنهایی مبنایی برای تصمیم‌گیری باشد، علائم شهودی وجود دارند که از دستگاه لیمبیک هدایت می‌شوند و توجه فرد را به سوی یک موضوع یا اجتناب از آن، جلب می‌کنند و این علائم از تجارب هیجانی فرد نشأت می‌گیرد و حتی قادرند فرد را به یک موقعیت

1- Doebeli & Hauert

2- Prisoners Dilemma

3- Peykherfe

4- Ledoux

5- Damasio

طلایی هوشیار کنند. شواهد عصب‌شناختی بیشتر در خصوص نقش مدار ارتباطی نواحی لیمبیک که پردازش‌های هیجانی در آن صورت می‌گیرد و قشر تازه مخ که در پردازش شناختی نقش دارد، بر تفکر و اینکه فرآیند تصمیم‌گیری صرفاً یک پردازش شناختی نیست را می‌توان در پژوهش‌های ماریو^۱ و همکاران (۲۰۰۶، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱)، رولز^۲ (۲۰۰۶، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱)، سیمور و دلان^۳ (۲۰۰۸، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱) نیز مشاهده کرد. بنابراین با توجه به اینکه هیجان با زندگی افراد در آمیخته است و با توجه به اینکه تأثیرگذاری هیجان‌ها بر نحوه تصمیم‌گیری و بسیاری از فرایندهای روان‌شناختی مسلم است، کمبود مطالعات در زمینه روان‌شناسی تجربی مبنی بر بررسی تأثیر عوامل هیجانی و محیطی بر فرایندهای تصمیم‌گیری در کشور به طور روز افزونی احساس می‌شود. در این پژوهش هدف بر آن بود که مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در افراد با میزان تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین ارزیابی شود.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی بود که جامعه آماری آن شامل کلیه دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بودند. برای به دست آوردن نمونه اولیه برای تعدادی (شامل ۲۳۰ نفر) از دانشجویان دانشگاه کردستان با شیوه نمونه‌گیری در دسترس و فراخوان در رابطه با شرکت در پژوهش و اهداف و نحوه انجام پژوهش توضیحات لازم داده شد، که از بین آنها ۷۰ نفر از دانشجویان که تمایل به شرکت در پژوهش داشتند مورد ارزیابی قرار گرفتند. با توجه به هدف پژوهش پس از تحلیل نتایج اولیه، نتایج مربوط به ۵۷ نفر (۲۹ نفر با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و ۲۸ نفر با تصمیم‌گیری همکارانه پایین) از دانشجویان انتخاب و به روش علی‌مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. از یک تکلیف کامپیوتری معمای زندانی و یک پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش آماری تحلیل واریانس چندمتغیره^۴ تجزیه و تحلیل شد.

تکلیف کامپیوتری معمای زندانی: برای میزان تصمیم‌گیری همکارانه از بازی کامپیوتری معمای زندانی استفاده می‌شود. این بازی ابتدا توسط درشر و فلود^۵ در حدود ۱۹۵۰ ساخته شد و با مطالعات تاکر و نش^۶ به سرعت رسمی گشت. معمای زندانی بازی اصلی انتخاب است و همچنان برای همکاری یا عدم همکاری نیز کاربرد دارد (وسلی^۷، ۲۰۱۱). در این تکلیف دو رقیب در برابر یکدیگر مسابقه‌ای را برگزار می‌کنند که قادر به برقراری ارتباط با هم نیستند. هر یک از دو رقیب دو انتخاب دارند: همکاری (حالت C) یا عدم همکاری (حالت D). با توجه به انتخاب رقیبان به هر کدام عایدی تعلق می‌گیرد. اگر هر دو نفر حالت C را انتخاب کنند، هر کدام ۷٪ دلار عایدی دریافت می‌کنند. اگر رقیب اول C و رقیب دوم D را انتخاب کند، رقیب اول ۱ دلار عایدی دریافت کرده و دومی هیچ عایدی دریافت نمی‌کند. اگر این حالت برعکس رخ دهد، رقیب دوم ۱ دلار عایدی دریافت کرده و اولی هیچ عایدی دریافت نمی‌کند. در حالتی که هر دو D را انتخاب کنند، به هر کدام ۳٪ دلار عایدی داده می‌شود. بدیهی است در این بازی راهبرد بهینه برای هر دو بازیکن عدم همکاری است. در این بازی معمای زندانی تکراری^۸ هر بازیکن فرصت می‌کند رفتار خود را با توجه به مشاهداتش از رفتار بازیکن دیگر در

1- Meriau

2- Rolls

3- Seymour & Dolan

4- Multivariate Analysis of Variance

5- Drescher & Flood

6-Taker & Nash

7-Vesely

8- Iterated Prison Dilemma

مراحل قبل وفق دهد و بدین ترتیب این امکان پدید می‌آید که بازیکن دریابد که آیا طرف مقابل تمایلی به همکاری متقابل دارد یا خیر. نکته حائز اهمیت در این مسئله این است که هر بازیکن به فکر بیشینه کردن عایدی خود در طول بازی است و به عایدی بازیکن دیگر اهمیتی نمی‌دهد (هدف بیشینه کردن عایدی خود است و نه شکست رقیب). بنابراین انتخاب راهبرد عدم همکاری در طول این بازی تکراری نمی‌تواند راهکار مناسبی برای به‌دست آوردن حداکثر عایدی باشد (منتظر و همکاران، ۱۳۹۱). فرآیند انجام این تکلیف حدود ۵ دقیقه به طول انجامید.

پرسشنامه‌ی تنظیم شناختی هیجان: پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ)^۱، یک ابزار خودگزارشی چند بعدی است که توسط گارنفسکی^۲، کرایج^۳ و اسپینهاون^۴ (به نقل از حسنی و میرآقایی، ۱۳۹۱) در کشور هلند تدوین شده و دارای دو نسخه انگلیسی و هلندی است. این ابزار دارای ۳۶ ماده و از ۹ زیر مقیاس تشکیل شده است که جهت شناسایی راهبردهای مقابله‌ای شناختی افراد پس از تجربه کردن رویدادها یا موقعیت‌های استرس‌زا و منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پرسشنامه افکار فرد را در موقعیت‌های منفی و ناخوشایند را ارزیابی می‌کند. پرسشنامه نظم‌جویی هیجان از ۹ خرده‌مقیاس تشکیل شده است که خرده‌مقیاس‌های مذکور ۹ راهبرد شناختی ملامت خویش، پذیرش، نشخوارگری، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، دیدگاه‌گیری، فاجعه‌سازی و ملامت دیگران را ارزیابی می‌کند. در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون، گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱، به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۰) پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ به دست آوردند. نسخه فارسی این پرسشنامه در ایران توسط بشارت و حسنی اعتبارسنجی شد. نتایج مطالعه حسنی دامنه آلفای کرونباخ را از ۰/۷۶ تا ۰/۹۲ و همچنین روایی ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ را نشان داد (حسنی و میرآقایی، ۱۳۹۱).

۳. یافته‌ها

در نمونه پژوهش ۵۰/۹ درصد جمعیت با تصمیم‌گیری همکارانه بالا، ۴۹/۱ درصد افراد با تصمیم‌گیری همکارانه پایین بودند. میانگین سنی جمعیت برابر با $(\pm 3/07)$ ۲۳/۹۸ بود. جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در گروه‌های با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین را نشان می‌دهد.

1- Cognitive Emotion Regulation Questionnaires

2- Granefski

3- kraaij

4 - Spinhoven

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین همراه با نتایج آزمون کالموگراف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	سطح معناداری آزمون K-S
ملاطت خویش	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۱۰/۳۳	۲/۲۸	۰/۱۸	۰/۸۳	۰/۵۷
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۹/۵۲	۲/۳۴	۰/۸۰	۱/۴۲	۰/۳۴
پذیرش	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۱۰/۶۳	۲/۵۲	۰/۰۶	-۰/۶۹	۰/۵۹
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۸/۹۶	۲/۱۵	۰/۵۲	۱/۹۸	۰/۷۰
نشخوارگری	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۱۱/۰۷	۲/۷۵	-۰/۲۲	-۰/۷۲	۰/۵۶
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۱۰/۶۸	۲/۶۸	۰/۴۴	-۰/۳۰	۰/۵۴
تمرکز مجدد مثبت	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۹/۸۹	۲/۲۵	-۰/۰۸	-۰/۶۰	۰/۸۲
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۱۱/۱۲	۲/۱۸	۰/۴۵	-۱/۲۰	۰/۱۹
تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۱۰/۷۰	۲/۴۱	۰/۱۱	-۰/۴۹	۰/۸۸
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۱۲/۴۰	۲/۰۸	۰/۲۸	-۱/۰۹	۰/۳۳
ارزیابی مجدد مثبت	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۱۰/۲۶	۲/۹۳	-۰/۷۳	-۰/۱۹	۰/۲۰
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۱۱/۳۶	۳/۱۶	-۰/۱۲	-۱/۳۰	۰/۲۸
دیدگاه‌گیری	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۱۱/۱۹	۲/۳۳	-۰/۹۶	۲/۷۱	۰/۱۸
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۱۰/۲۰	۳/۱۴	۰/۲۰	-۰/۷۶	۰/۸۰
فاجعه‌سازی	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۹/۷۴	۲/۸۲	۰/۴۴	۰/۶۲	۰/۷۵
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۸/۴۴	۲/۷۴	۰/۸۸	۱/۰۷	۰/۵۱
ملاطت دیگران	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۸/۴۱	۲/۲۴	۰/۳۵	-۰/۱۸	۰/۲۲
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۷/۵۲	۱/۹۶	۰/۴۹	۱/۲۵	۰/۵۷
تنظیم شناختی هیجان مثبت (نمره کل)	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۴۲/۳۵	۸/۱۹	-۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۳۸
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۴۶	۹/۳۹	۰/۰۱	-۱/۳۱	۰/۵۵
تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل)	تصمیم‌گیری همکارانه پایین	۵۰/۱۷	۸/۱۹	-۰/۲۴	-۰/۰۸	۰/۹۹
	تصمیم‌گیری همکارانه بالا	۴۵/۲۴	۸/۳۹	۰/۶۷	۰/۲۹	۰/۶۰

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چندمتغیره، جهت رعایت فرض‌های آزمون، از آزمون‌های ام باکس که شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوواریانس را بررسی می‌کند و لوین که شرط همگنی و برابری واریانس را مورد بررسی قرار می‌دهد، استفاده شد که هیچ یک از این آزمون‌ها معنادار نبودند ($p > ۰/۰۵$)؛ بنابراین شرط همگنی ماتریس-های واریانس/کوواریانس رعایت شد که نتایج در جدول ۲ و ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۲- نتایج بررسی آزمون ام باکس

سطح معنی‌داری	df2	df1	F	Boxes M
۰/۷	۵۶۸۰۴۸/۶۵	۳	۰/۴۶	۱/۴۵

جدول ۳- نتایج بررسی مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها در مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان

سطح معنی‌داری	d.f ₂	d.f ₁	نسبت F	متغیرها
۰/۹۷	۵۵	۱	۰/۰۰۱	ملاطت خویش
۰/۱۸	۵۵	۱	۱/۸۰	پذیرش
۰/۶۶	۵۵	۱	۰/۱۸	نشخوارگری
۰/۸۱	۵۵	۱	۰/۰۵	تمرکز مجدد مثبت
۰/۵۸	۵۵	۱	۰/۲۹	تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی
۰/۲۸	۵۵	۱	۱/۱۷	ارزیابی مجدد مثبت
۰/۰۳	۵۵	۱	۴/۵۹	دیدگاه‌گیری
۰/۹۸	۵۵	۱	۰/۰۰۱	فاجعه‌سازی
۰/۵۹	۵۵	۱	۰/۲۹	ملاطت دیگران
۰/۱۳	۵۵	۱	۲/۳۲	تنظیم شناختی هیجان مثبت (نمره کل)
۰/۹۵	۵۵	۱	۰/۰۰۳	تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل)

نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره در جدول ۴ نشان می‌دهد که هر سه شاخص آماره اثر پیلای، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ که معنی‌داری تفاوت میانگین نمرات را به صورت کلی نشان می‌دهند، در مورد تفاوت گروه‌های با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین، $P = ۰/۰۰۸$ معنی‌دار است و دو گروه مورد مطالعه حداقل از نظر یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنادار دارند. مقادیر مجذور اتا نیز نشان می‌دهد که ۳۹ درصد واریانس نمرات دو گروه در متغیرهای مورد مطالعه ناشی از عضویت گروهی است.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای اثر اصلی متغیر گروه بر متغیرهای وابسته

آزمون	ارزش	F	سطح معنی‌داری	مجذورات
اثر پیلای	۰/۳۹	۲/۹۸	۰/۰۰۸	۰/۳۹
لامبدای ویلکز	۰/۶۱	۲/۹۸	۰/۰۰۸	۰/۳۹
اثر هتلینگ	۰/۶۳	۲/۹۸	۰/۰۰۸	۰/۳۹

با توجه به معنادار بودن اثرات گروهی، نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در جدول ۳ نشان می‌دهد، بین دو گروه افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین در پذیرش در سطح $P=0/01$ ($F=6/52$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/11$)، تمرکز مجدد مثبت در سطح $P=0/05$ ($F=3/97$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/07$)، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی در سطح $P=0/009$ ($F=7/30$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/12$) و تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل) در سطح $P=0/03$ ($F=4/48$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/08$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. اما بین دو گروه از لحاظ ملامت خویش در سطح $P=0/21$ ($F=1/60$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/03$)، نشخوارگری در سطح $P=0/60$ ($F=0/27$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/005$)، ارزیابی مجدد مثبت در سطح $P=0/19$ ($F=1/69$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/03$)، دیدگاه‌گیری در سطح $P=0/20$ ($F=1/65$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/03$)، فاجعه‌سازی در سطح $P=0/09$ ($F=2/83$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/05$)، ملامت دیگران در سطح $P=0/13$ ($F=2/29$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/04$) و تنظیم شناختی هیجان مثبت (نمره کل) در سطح $P=0/22$ ($F=1/49$) و با اندازه اثر (نسبت مجذور اتای تفکیکی $\eta^2=0/02$) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۳- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره در افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین در مؤلفه‌های

تنظیم شناختی هیجان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	نسبت معناداری	سطح نسبت مجذورات
ملامت خویش	۸/۵۸	۱	۸/۵۸	۱/۶۰	۰/۲۱	۰/۰۳
پذیرش	۳۶/۱۸	۱	۳۶/۱۸	۶/۵۲	۰/۰۱	۰/۱۱
نشخوارگری	۲/۰۱	۱	۲/۰۱	۰/۲۷	۰/۶۰	۰/۰۰۵
تمرکز مجدد مثبت	۱۹/۶۷	۱	۱۹/۶۷	۳/۹۷	۰/۰۵	۰/۰۷
تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی	۳۷/۳۵	۱	۳۷/۳۵	۷/۳۰	۰/۰۰۹	۰/۱۲
ارزیابی مجدد مثبت	۱۵/۷۲	۱	۱۵/۷۲	۱/۶۹	۰/۱۹	۰/۰۳
دیدگاه‌گیری	۱۲/۵۹	۱	۱۲/۵۹	۱/۶۵	۰/۲۰	۰/۰۳
فاجعه‌سازی	۲۱/۹۶	۱	۲۱/۹۶	۲/۸۳	۰/۰۹	۰/۰۵
ملامت دیگران	۱۰/۲۲	۱	۱۰/۲۲	۲/۲۹	۰/۱۳	۰/۰۴
تنظیم شناختی هیجان مثبت (نمره کل)	۱۲۰/۱۹	۱	۱۲۰/۱۹	۱/۴۹	۰/۲۲	۰/۰۲
تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل)	۳۳۳/۰۳	۱	۳۳۳/۰۳	۴/۴۸	۰/۰۳	۰/۰۸

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تفاوت مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در بین افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین در بین دانشجویان

دانشگاه کردستان در سال ۹۵-۱۳۹۴ را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بین دو گروه از نظر پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی و تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به طوری که افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا در مقایسه با افراد با تصمیم‌گیری همکارانه پایین از تمرکز مجدد مثبت و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی در واقع از تنظیم هیجان مثبت بالاتری برخوردار هستند. در حالی که افراد با تصمیم‌گیری همکارانه پایین در مقایسه با افراد با تصمیم‌گیری همکارانه بالا از پذیرش و تنظیم شناختی هیجان منفی (نمره کل) بالاتری برخوردار هستند.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های پیشین مشابه با این متغیر از جمله غلام‌رضایی و همکاران (۱۳۹۳)، کلونینجر و شواریک^۱ (۱۹۹۲)، به نقل از غلام‌رضایی و همکاران، (۱۳۹۳)، طبری و قربانی (۱۳۸۸)، کاشانی (۱۳۸۵)، به نقل از طبری و قربانی، (۱۳۸۸)، اعتباریان و همکاران (۱۳۹۳)، هادی‌زاده مقدم و طهرانی (۱۳۹۰)، حمزه‌لویی و اثنی‌عشری (۱۳۹۴)، علیزاده و آزما (۱۳۹۴)، سالاری و همکاران (۱۳۹۳)، پورکیانی و همکاران (۱۳۹۱)، تانهلما^۲ (۲۰۰۴)، به نقل از اعتباریان، (۱۳۹۳)، کوگتا^۳ و همکاران (۲۰۱۱)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، جیمنز^۴ (۲۰۱۱)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، استارکیا^۵ و همکاران (۲۰۱۱)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، کوارتز^۶ (۲۰۰۹)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، آندراد و آرایلی^۷ (۲۰۰۹)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، کریسلی^۸ و همکاران (۲۰۰۷)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، لدوکس (۱۹۹۳)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، داماسیو (۲۰۰۵)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، مریو و همکاران (۲۰۰۶)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، رولز (۲۰۰۶)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، سیمور و دولان (۲۰۰۸)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، تهرانی و همکاران (۱۳۹۰)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، نوردین^۹ (۲۰۱۱)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، دینسر^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۱)، به نقل از تابش و زارع، (۱۳۹۱)، اسکات‌لاد و چان^{۱۱} (۲۰۰۴)، برون^{۱۲} و همکاران (۲۰۰۳) و کشکر و همکاران (۱۳۹۳) که نشان‌دهنده ارتباط بین تصمیم‌گیری با تنظیم شناختی هیجان می‌باشد همخوانی دارد.

همچنین پیشکار و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که راهبردهای تنظیم شناختی در نحوه تصمیم‌گیری افراد در موقعیت‌های متفاوت اثرگذار است. بر اساس یافته‌های پژوهش تابش و زارع (۱۳۹۱) می‌توان نتیجه گرفت که تقویت هوش هیجانی به عنوان ترکیبی از رگه‌های مختلف شخصیت، به فرد این امکان را می‌دهد که با شناخت، ادراک، تنظیم و کنترل هیجان‌ها، پردازش‌های شناختی خود را مدیریت و بهبود بخشد. همچنین در رابطه با ارتباط هوش هیجانی و تنظیم شناختی هیجان نتایج پژوهش سهرابی و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن بود که هوش هیجانی با خرده‌مقیاس‌های تنظیم شناختی هیجان دارای ارتباط معناداری است. با عنایت به یافته‌ها و شواهد موجود، می‌توان حدس زد که تقویت هوش هیجانی، به فرد این امکان را می‌دهد که با شناخت، ادراک، تنظیم و کنترل هیجان‌ها، پردازش‌های شناختی خود را که شامل قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اوست، مدیریت و بهبود بخشد (تابش و زارع، ۱۳۹۱).

1- Cloninger & Svrakic

2- Thunholm

3 - cogeta

4 - Gimenez

5 - Starckea

6 - Quartz

7- Andrade & Ariely

8 - Coricelli

9 - Nordin

10- Dincer

11- Scott-Ladd & Chan

12- Brown

نحوه تکامل مغز، نقش هیجان‌ها بر تفکر را به خوبی نشان می‌دهد، اینکه چگونه مغز متفکر از مغز هیجانی به وجود آمده است. از اوایل سال ۱۹۸۰، هیجان‌ها به عنوان نوعی از اطلاعات، تأثیرگذار بر تفکر شناخته شدند (برادبری و گراو، ۲۰۰۵). در این راستا پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است (کوگتا، ۲۰۱۱، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، جیمنز، ۲۰۱۱، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، استارکا و همکاران، ۲۰۱۱، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، کوارتز، ۲۰۰۹، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، آندرید و آرایلی، ۲۰۰۹، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، کریسلی و همکاران، ۲۰۰۷، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱).

نتایج تحقیقات عصب‌شناختی نیز گواه بر این گردید که پردازش‌های هیجانی در قسمت لیمبیک مغز، زیر قسمت پیش پیشانی مغز که مسئول پردازش‌های شناختی است، صورت می‌گیرد و این پردازش‌های هیجانی قادرند، پردازش‌های شناختی را تحت تأثیر قرار دهند (لدوکس، ۱۹۹۳، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱) و اگر این مناطق در مغز انسان آسیب ببیند، قضاوت و تصمیم‌گیری دچار اختلال می‌گردد (داماسیو، ۲۰۰۵، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱).

نتایج پژوهش غلامرضایی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که مؤلفه همکاری، راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان افراد زندانی را بهتر از سایر مؤلفه‌ها پیش‌بینی می‌کند. در این راستا می‌توان به تحقیقات کلونینجر (۱۹۹۱، به نقل از غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۳) اشاره کرد که در مطالعات خود برخی ویژگی‌ها را برای بعد شخصیتی همکاری مطرح نموده است که برخی از این ویژگی‌ها در افراد مجرم به صورت افراط و یا تفریط وجود دارد. وی معتقد است افرادی که در بعد همکاری نمره بالا بدست می‌آورند، همدل، مهربان، متحمل، حمایت‌کننده و درستکار شناخته می‌شوند و کسانی که در بعد همکاری نمره پایینی می‌گیرند؛ خودبین، متعصب، سرزنش‌کننده و کینه‌توز هستند. به نظر می‌رسد که این ویژگی‌های شخصیتی یعنی خودفراوری، خودراهبردی و همکاری پایین با محیط اجتماعی در افراد زندانی و مجرم از شیوع بالایی برخوردار باشد. کلونینجر و شوارکیک (۱۹۹۲، به نقل از غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۳) در تعریف "همکاری" عنوان می‌کنند که این ویژگی منشی تفاوت‌های موجود در عملکرد قانون‌گذرانان افراد را کمی می‌کند. افرادی که همکاری بالا دارند خود را به صورت اجزا یکپارچه اجتماع انسانی مفهوم‌سازی می‌کنند. به این ترتیب به صورت افرادی بردبار، مهربان، حمایت‌کننده و اصول‌گرا توصیف می‌شوند. این ویژگی‌ها در کارهای تیمی و گروه‌های اجتماعی سودمندند ولی در افرادی که باید به صورت انفرادی زندگی کنند مزیتی ندارند.

طبق یافته‌های پژوهش حاضر مؤلفه همکاری مانع استفاده افراد زندانی از راهبردهای غیرانطباقی تنظیم شناختی هیجان همچون فاجعه‌شماری، خودسرزنش‌گری، نشخوار فکری و سرزنش دیگری می‌شود. به عبارت دیگر مؤلفه همکاری توانایی پیش‌بینی راهبردهای مثبت تنظیم شناختی و مؤلفه‌های آن، تمرکز مجدد مثبت، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و کم اهمیت شماری را دارد. با توجه به اینکه ویژگی منشی همکاری زندانیان منجر به بکارگیری مناسب راهبردهای انطباقی تنظیم هیجان می‌شود، زندانیان احساس آرامش بیشتری می‌کنند که خود این می‌تواند زمینه ساز کاهش وقوع جرم باشد (غلامرضایی و همکاران، ۱۳۹۳).

کاشانی (۱۳۸۵، به نقل از طبری و قربانی، ۱۳۸۸) در کتاب نقش دل در مدیریت به نقل از بریان تریسی بیان می‌دارد که عوامل دوگانه در تصمیم‌گیری فکر و احساس هستند. در واقع، احساس نیروی محرک و برانگیزاننده ذهن است. هر فکری را که می‌خواهیم جامه‌ی عمل بپوشانیم باید به وسیله احساس یا تمنايي مانند عشق یا هیجان برانگیخته و فعال کنیم. فکر بدون احساس، واکنشی در زندگی ما پدید نمی‌آورد. عقل و هوش منطقی به قدرت استدلال کمک می‌کند، اما توانایی

پیش‌بینی پیامدهای تصمیم تنها از هوش هیجانی به دست می‌آید. مهارت استفاده از هوش هیجانی می‌تواند در لحظه انتخاب به شما کمک نماید و کنترل مؤثرتری بر خود و تأثیر مضاعفی بر دیگران داشته باشید.

پژوهش‌های بسیاری در خصوص اثر هیجان بر تفکر و تصمیم‌گیری انجام شده است (کوگتا، ۲۰۱۱). به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، جیمنز، ۲۰۱۱، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، استارکا و همکاران، ۲۰۱۱، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، کوارتز، ۲۰۰۹، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، آندرید و آرایلی، ۲۰۰۹، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱، کریسلی و همکاران، ۲۰۰۷، به نقل از تابش و زارع، ۱۳۹۱) که نشان از این دارد که حتی تصمیمات ادراکی ساده، متأثر از محتوای هیجانی محرک‌ها هستند. تصمیمات انسان را نمی‌توان منحصرأ به وسیله ملزومات منطقی توضیح داد بلکه آنها به شدت از هیجان تأثیر می‌گیرند.

در واقع می‌توان گفت تحقیقاتی که تاکنون بر روی سبک‌های تصمیم‌گیری صورت گرفته‌اند، نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری بر پایه احساس و منطق هر دو لازمه یک تصمیم‌گیری موفق می‌باشند. تصمیم‌گیری بر پایه احساس در زمانی که افراد با تعدد تصمیمات روبه‌رو هستند و همچنین در شرایط بحرانی یکی از استراتژی‌های تأثیرگذار می‌باشد (کشکر و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به تأثیر هیجان‌ات در زندگی روزمره و در تصمیم‌گیری افراد پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مؤلفه‌های تنظیم شناختی هیجان در افراد با میزان تصمیم‌گیری همکارانه بالا و پایین انجام گرفت.

منابع

- اندامی خشک، علیرضا، گلزاری، محمود، اسماعیلی نسب، مریم (۱۳۹۲). نقش راهبردهای نه گانه‌ی تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی تاب‌آوری. مجله اندیشه و رفتار، ۷(۲۷)، ۹۱-۵۷.
- اعتباریان، اکبر، خیرمند، مرضیه، صادقی، آرزو (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران کارخانه پلی‌اکریل اصفهان. فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ۱۹، ۱۹-۳۰.
- پیشکار، سارا، بنی‌جمالی، شکوه‌السادات، پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۹۴). بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان در پیش‌بینی تاب‌آوری و سبک‌های تصمیم‌گیری در دانشجویان دختر و پسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س).
- پیک حرفه، شیرزاد (۱۳۹۰). سودای سر بالا: سقف اخلاق بر ستون سود، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، ۵(۹).
- جوادی یگانه، محمد رضا (۱۳۸۸). بسط دانش انسانی یا حل مسائل اجتماعی (نقد و بررسی کتاب تعاون و همکاری مایکل آرگایل) کتاب ماه علوم اجتماعی، ۵۲-۲۰.
- پورکیانی، مسعود؛ هدی جوانمرد و حمیده محمدی (۱۳۹۱). افزایش قدرت تصمیم و فرایندهای تصمیم‌گیری از طریق کاربرد مهارت‌های هوش هیجانی، اولین همایش ملی مهندسی مدیریت کسب و کار، کرمان، دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته.
- http://www.civilica.com/Paper-EBM01-EBM01_132.html
- تابش، فهیمه، زارع، حسین (۱۳۹۱). تاثیر آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، اجتنایی، وابسته و آنی. مجله علوم رفتاری، ۶(۴)، ۳۲۹-۳۲۳.
- حسنی، جعفر، میرآقایی، علی محمد (۱۳۹۱). رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با ایده‌پردازی خودکشی. روانشناسی معاصر، ۷(۱)، ۱۳، ۷۲-۶۱.
- حمزه لویی، مهناز و احسان اثنی عشری (۱۳۹۴). تاثیر هوش هیجانی بر سبک تصمیم‌گیری مدیران پروژه، دومین کنفرانس ملی مدیریت ساخت و پروژه، تهران، موسسه آموزش عالی علاءالدوله سمنانی.
- http://www.civilica.com/Paper-NCCPM02-NCCPM02_069.html
- سالاری، یحیی؛ اکرم مقدسی و محمد حسنی (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش هیجانی مدیران و سبک تصمیم‌گیری آنان در مدارس مقطع متوسطه شهر کرمانشاه، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مرودشت، شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان.
- http://www.civilica.com/Paper-ASMJ01-ASMJ01_0965.html
- سهرابی، نادره، سامانی، سیامک، آقاجامالی، راهله (۱۳۹۲). نقش واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- صالحی، اعظم، باغبان، ایران، بهرامی، فاطمه، احمدی، احمد (۱۳۹۰). رابطه بین راهبردهای شناختی تنظیم هیجان و مشکلات هیجانی با توجه به عوامل فردی و خانوادگی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱۱(۱)، ۱۸-۱.
- ضیایی، مریم، خداپناهی، محمدکریم، حیدری، محمود، کشوری، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی تاثیر القای هیجانی بر سرعت قضاوت‌های اخلاقی شخصی و غیرشخصی. تحقیقات علوم رفتاری، ۷(۲)، ۱۶۳-۱۵۵.
- طبری، مجتبی، قربانی، مهرناز (۱۳۸۸). نقش هوش هیجانی بر شیوه تصمیم‌گیری مدیران. فصلنامه مدیریت، ۶(۱۶).

۳۰-۴۶

- **علیزاده، روح اله و فریدون آزما (۱۳۹۴).** بررسی رابطه بین سبکهای تصمیم‌گیری و هوش هیجانی مدیران. چهارمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و اولین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، تهران. همایشگران مهر اشراق. http://www.civilica.com/Paper-MOCONF04-MOCONF04_313.html
- **غلام‌رضایی، سیمین، عزیزی، امیر، اسماعیلی، مهدی، اسماعیلی، سودابه، پیدا، نگین (۱۳۹۳).** نقش صفات شخصیتی منش در پیش‌بینی کیفیت راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان زندانیان. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۳۱-۳۸، (۳)۳
- **کشکر، سارا، قاسمی، حمید، مولانی، ریما (۱۳۹۳).** مقایسه هوش هیجانی و سبک تصمیم‌گیری مدیران ادارات تربیت بدنی و سایر مدیران حوزه دانشجویی دانشگاه‌های تهران. نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش، (۲)۱، ۹۵-۱۰۴
- **کرمی، جهانگیر، حیدری شرف، پریرسا، شفیعی، بهناز (۱۳۹۴).** رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و هوش هیجانی با هراس اجتماعی در دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی و آسیب‌دیده شنوایی. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱(۱۲۹)، ۵-۱۴
- **منتظر، غلام‌علی، رستگارامشه، نجمه، عسکرزاده، علیرضا (۱۳۹۱).** مدل‌سازی و تحلیل بازی معمای زندانی تکراری به کمک شبکه عصبی مصنوعی پادانتشار گراسبرگ. نشریه مهندسی برق و مهندسی کامپیوتر ایران، ۱۰(۱)، ۴۷-۵۴
- **هادیزاده مقدم اکرم، طهرانی مریم (۱۳۹۰).** تبیین رابطه بین هوش عاطفی و سبک تصمیم‌گیری مدیران. راهبردهای بازرگانی-دانشور رفتار سابق، ۱، (۴۷)، ۲۷۱-۲۸۲
- **Brown, C., George-Curran, R., & Smith, M. L. (2003).** The role of emotional intelligence in the career commitment and decision-making process. *Journal of Career Assessment*, 11(4), 379-392.
- **Doebeli, M. Hauert, CH. (2005).** Models of cooperation based on the Prisoner's Dilemma and the Snowdrift game. *REVIEWS AND SYNTHESSES*, 8, 748-766.
- **Vesely, S. (2011).** Psychology of decision making: Effect of learning, end-effect, cheap talk, and other variables influencing decision making in the Prisoner's Dilemma game. Diploma thesis. Masaryk University. Faculty of Arts. Department of Psychology.
- **Scott-Ladd, B., & Chan, C. C. (2004).** Emotional intelligence and participation in decision-making: strategies for promoting organizational learning and change. *Strategic Change*, 13(2), 95-105.